

پاشنه آشیل سازمان ملل

سه شنبه 18 صفر 1439 هـ - 7 نوامبر 2017 م

English اردو عربی

العربية Al Arabiya

ایران افغانستان خاورمیانه بین الملل ورزش

صفحه اصلی « آراء »

آخرین به روز شد: شنبه 15 صفر 1439 هـ - 4 نوامبر 2017 م - GMT 12:51 - KSA 15:51

پاشنه آشیل سازمان ملل

شنبه 15 صفر 1439 هـ - 4 نوامبر 2017 م

جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول بمنظور پیشگیری از تکرار خسوف خرد در میان ملت ها و آغاز جنگی دیگر شکل گرفت. طبق بند ۲۲ اساس نامه جامعه ملل، حق انتصاب قیم برای کشورهایی مجاز بود که بعد از جنگ جهانی اول استقلال یافته اما توانایی حکومت بر خود را نداشتند. بدین ترتیب، این کشورها می بایست تا زمان قدرت گرفتن مردم برای حکومت بر خود توسط قیم اداره می شدند. در واقع این اقدام به ظاهر خیرخواهانه رسماً نخستین گام قانونی برای استثمار کشورهای ضعیف بود.



هارون یحیی

تنها نوزده سال طول کشید تا ناکارآمدی و شکست جامعه ملل بر همگان مشخص شود. بروز جنگ جهانی دوم بین کشورها با هدف سیطره بر قلمرو های بیشتر نه تنها باعث فروپاشی جامعه ملل شد بلکه اشتباه بودن سیاست های اتخاذ شده توسط این سازمان را به اثبات رساند. بعد از جنگ جهانی دوم که بیش از پنجاه و سه میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد، نیاز به ایجاد یک اتحادیه، قویتر احساس می شد و بر همین اساس سازمان ملل تاسیس گردید.

البته متحد ساختن ملت ها زیر یک سقف به نام صلح همواره امری قابل ستایش بوده است. چنین اتحادی از خسوف خرد در بین ملت ها جلوگیری کرده و در عین حال کشورها را درون یک چارچوب قانونی نگه داشته و آنها را ملزم به پیروی از آن قوانین می کند.

اما نهادهای چون سازمان ملل نباید در اجرای موفق وظایف خود قربانی دیوانسالاری بیهوده و غیر ضروری شود. امروز وجود خطوط قرمز، تصمیمات فاقد ضمانت اجرایی، جنگ های ناتمام و اتهامات شرمسارانه مانع آن شده است که این سازمان بتواند مأموریت های خود به نحو احسن را انجام دهد. گرچه تاسیس این نهاد بین المللی نقش مهمی در جلوگیری از بروز جنگ جهانی سوم ایفا کرده است اما دنیا اکنون در آتش جنگ و وحشت جنگ های منطقه ای می سوزد.

شورای امنیت سازمان ملل سرانجام پس از نه سال توانست در سپتامبر امسال ارتش میاتمار را محکوم کند. اما این محکومیت هیچ گونه راه حلی برای مسلمانان آراکان ارائه نداده و کشت و کشتار در این منطقه را متوقف نساخته است. چنین شرایطی برای یک نهاد بین المللی که با هدف استمرار صلح جهانی تاسیس شده بسیار اسفناک است.

رهبران صد و نود و سه کشور عضو سازمان ملل با گردهمایی در هفتاد و دومین اجلاس مجمع عمومی این سازمان، خواستار اعمال اصلاحات ساختاری در آن شدند چراکه این سازمان که در سال ۱۹۴۵ تاسیس شده دیگر پاسخگوی نیازهای جهان امروزی نیست. علیرغم افزایش صد و چهل درصدی بودجه سازمان ملل و نیز افزایش تقریباً دو برابری کارمندان آن از سال ۲۰۰۰ تا کنون، این نهاد بین المللی به دلیل دیوانسالاری و سوء مدیریت نتوانسته در سالهای اخیر موفق ظاهر شود.

جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول بمنظور پیشگیری از تکرار خسوف خرد در میان ملت ها و آغاز جنگی دیگر شکل گرفت. طبق بند ۲۲ اساس نامه جامعه ملل، حق انتصاب قیم برای کشورهایی مجاز بود که بعد از جنگ جهانی اول استقلال یافته اما توانایی حکومت بر خود را نداشتند. بدین ترتیب، این کشورها می بایست تا زمان قدرت گرفتن مردم برای حکومت بر خود توسط قیم اداره می شدند. در واقع این اقدام به ظاهر خیرخواهانه رسماً نخستین گام قانونی برای استثمار کشورهای ضعیف بود.

تنها نوزده سال طول کشید تا ناکارآمدی و شکست جامعه ملل بر همگان مشخص شود. بروز جنگ جهانی دوم بین کشورها با هدف سیطره بر قلمرو های بیشتر نه تنها باعث فروپاشی جامعه ملل شد بلکه اشتباه بودن سیاست های اتخاذ شده توسط این سازمان را به اثبات رساند. بعد از جنگ جهانی دوم که بیش از پنجاه و سه میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد، نیاز به ایجاد یک اتحادیه، قویتر احساس می شد و بر همین اساس سازمان ملل تاسیس گردید.

البته متحد ساختن ملت ها زیر یک سقف به نام صلح همواره امری قابل ستایش بوده است. چنین اتحادی از

خسوف خرد در بین ملت ها جلوگیری کرده و در عین حال کشورها را درون یک چارچوب قانونی نگه داشته و آنها را ملزم به پیروی از آن قوانین می کند.

اما نهادی چون سازمان ملل نباید در اجرای موفق وظایف خود قربانی دیوانسالاری بیهوده و غیر ضروری شود. امروز وجود خطوط قرمز، تصمیمات فاقد ضمانت اجرایی، جنگ های ناتمام و اتهامات شرمسارانه مانع آن شده است که این سازمان بتواند مأموریت های خود به نحو احسن را انجام دهد. گرچه تاسیس این نهاد بین المللی نقش مهمی در جلوگیری از بروز جنگ جهانی سوم ایفا کرده است اما دنیا اکنون در آتش جنگ و وحشت جنگ های منطقه ای می سوزد.

شورای امنیت سازمان ملل سرانجام پس از نه سال توانست در سپتامبر امسال ارتش میانمار را محکوم کند. اما این محکومیت هیچ گونه راه حلی برای مسلمانان آراکان ارائه نداده و کشت و کشتار در این منطقه را متوقف نساخته است. چنین شرایطی برای یک نهاد بین المللی که با هدف استمرار صلح جهانی تاسیس شده بسیار اسفناک است.

رهبران صد و نود و سه کشور عضو سازمان ملل با گردهمایی در هفتاد و دومین اجلاس مجمع عمومی این سازمان، خواستار اعمال اصلاحات ساختاری در آن شدند چراکه این سازمان که در سال ۱۹۴۵ تاسیس شده دیگر پاسخگوی نیازهای جهان امروزی نیست. علیرغم افزایش صد و چهل درصدی بودجه سازمان ملل و نیز افزایش تقریباً دو برابری کارمندان آن از سال ۲۰۰۰ تا کنون، این نهاد بین المللی به دلیل دیوانسالاری و سوء مدیریت نتوانسته در سالیان اخیر موفق ظاهر شود.

دبیر کل سازمان ملل آنتونی گوتیش بطور خلاصه وضعیت کنونی سازمان ملل را اینگونه توصیف کرد: "تنها چیزی که باعث نگرانی عمیق من شده دیوانسالاری (حاکم بر این سازمان) است." رئیس جمهوری ترکیه رجب طیب اردوغان نیاز به اصلاح ساختار سازمان ملل را به شرح زیر خواستار شد: "پیشنهاد ما این است که شورای امنیت از بیست عضو به نمایندگی از بیست کشور با همان اختیارات و حقوق قبلی تشکیل شود. دوران پس از جنگ جهانی دوم به سر آمده است. ما امیدواریم سازمان ملل که اعضای همه کشورهای دنیا در آن حاضر هستند وجدان بیدار بشریت باشد." همچنین رئیس جمهور برزیل میشل تامر نیز خواستار گسترش شورای امنیت سازمان ملل شد و اظهار داشت: "امروز ما از هر زمان دیگری به سازمان ملل نیازمندیم. اما هنوز هم اصلاحات ضروری است."

در حالیکه حق وتوی پنج عضو دائم شورای امنیت مانع هرگونه تصمیم گیری سرنوشت ساز در مورد جنگ های مختلف در سراسر دنیا شده است شرایط تاسیس این سازمان یا به عبارتی خود دیوانسالاری این نهاد اجازه هر گونه اصلاح و تغییر را نمی دهد. پناهندگان تنها یک نمونه از مشکلات بزرگی هستند که سازمان ملل نتوانسته است راه حلی برای آن ارائه دهد. در حالیکه برخی رهبران کشورها فقط از کشورهای پناهنده پذیر همچون ترکیه و لبنان قدردانی کرده اند نتوانسته اند اقدامی در مورد ناتوانی سازمان ملل انجام دهند.

برخی اتهامات شرم آور و نگران کننده در مورد نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سالیان گذشته باعث شده تا اعتبار اقدامات انسان دوستانه این سازمان زیر سوال برود. به منظور جلوگیری از تجاوز جنسی به زنان و کودکان توسط نظامیان و غیرنظامیان نیروهای حافظ صلح این سازمان در جلسه ای که در سپتامبر گذشته به پیشنهاد سوئد برگزار شد هفتاد و پنج کشور قراردادی را امضا کردند.

در دنیای معاصر ما که با خطر مداوم جنگ و وحشت مواجه است شاید کشورهایی که اسیر قانون های دست و پاگیر خود شده اند جزو ضعیف ترین کشورها به حساب آیند. اینکه امید می رفت تا سازمان ملل راه گشای مشکلات فعلی جهان باشد در دیوانسالاری حاکم بر آن به بن بست رسیده و کشورهایی که خواستار ایجاد

اصلاحات در آن هستند و نمی توانند گامی در این راستا بردارند قطعا مشکلی بزرگ است. درست همانگونه که قانون اساسی دولت - ملت ها با توجه به شرایط تاریخی و کنونی آنها شکل و تکامل یافته است بر همین منوال نیز لازم است منشور سازمان ملل اصلاح شود. لغو حق وتو، احترام گذاشتن به تصمیم دولت های منطقه ای در حل مسائل خود و نیز اتخاذ تدابیر به موقع و مؤثر در مواردی مربوط به نسل کشی از جمله اصلاحات فوری است که باید در منشور سازمان ملل صورت پذیرد. علاوه بر این، از دیگر موارد لازم، اتخاذ راه حل هایی برای جلوگیری از بروز جنایت هایی هولناکی است که باعث بدنامی این سازمان می شود. همچنین لازم است که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل آموزش های تخصصی دیده و به آنها هشدار داده شود که در صورت تخطی مجازات خواهند شد.

انتظار جهانیان از سازمان ملل این است که حافظ صلح جهانی باشد. اگرچه وجود چنین سازمانی مغتنم است اما این وظیفه ماست که به نحوی اثربخش آنرا اصلاح کنیم.

<https://farsi.alarabiya.net/fa/views/2017/11/04/%D9%BE%D8%A7%D8%B4%D9%86%D9%87-%D8%A2%D8%B4%DB%8C%D9%84-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%84%D9%84.html>

<https://www.harunyahya.info/fa/mqalat/pashnh-aashyl-sazman-mll>